

((شایعه اعطای کاپیتولاسیون به مستشاران آمریکا))

بهاذه ای برای مخالفت با رضاشاه بزرگ

روح الله خمینی در روز چهارم آبانماه سال ۱۳۴۳ خورشیدی (۲۵۰۳) سالگرد زادروز محمدرضاشاه پهلوی؛ که تصادفاً آن سال مصادف بود بابیستم جمادی الثانی ۱۳۸۴؛ یعنی بابه اصطلاح میلاد فاطمه زهرا مطابقت داشت؛ سخنرانی مغرضانه خود را در قم درموردقانونی که وی به غلط آنرا کاپیتولاسیون نام نهاده بود؛ ایراد کرد.

«لازم به یادآوریست که در آن زمان هنوز روح الله خمینی این ادعرا نکرده بود که روزیستم جمادی الثانی سالروز تولدخودش نیزمیباشد».

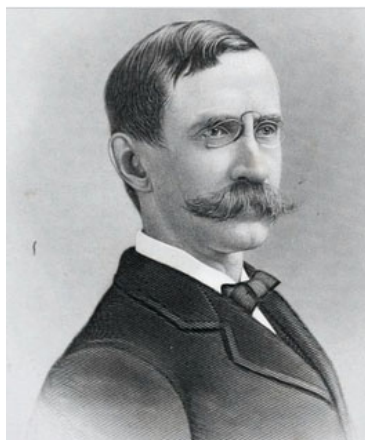
از زمانیکه رژیم جمهوری اسلامی درایران مستقر شده است؛ همه ساله با فرارسیدن ماه آبان «سالروزسخنرانی وی که روزسیزدهم باسالروزبازداشت و تبعید او به ترکیه؛ «بعلت همان سخنرانی نیزمصادف میباشد» رسانه های گروهی رژیم ملایان یکباردیگرراجع به این قانون باهمان عنوان کذب و خلاف واقع سخن بمیان میاورند و از آن باهوچیگری وهیاهو (بنام یکی از خیانتهای بزرگ محمدرضاشاه پهلوی نام میبرند).

باتوجه باین مراتب و بیاناتی ازسوی مدعیان روشنفکری که کاملاً خلاف واقع و مطالبی پرازسفسطه و مغلطه؛ نظر روح الله خمینی را مبنی براینکه رژیم سابق بموجب قانون مصوب مزبور؛ مصونیت ها و مزایای مربوط به کاپیتولاسیون به مستشاران نظامی آمریکاداده شده بود؛ این نویسنده را برآن داشت که مطالبی برای آگاهی عموم و بویژه جوانان کشورم تهیه و واقعتهای مربوط به این امررا به آگاهی برسانم.

تاریخچه کلی از آغاز روابط سیاسی و نظامی ایران با آمریکا

اولین پیمان برای برقراری روابط سیاسی بین ایران و آمریکا بنام پیمان دوستی و تجاری در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶ (۲۲ آذر ۱۲۳۵ برابر با ۲۳۹۵) در قسطنطنیه؛ (استانبول کنونی) بین فرخ خان غفاری؛ ملقب به امین الملک ایلچی سفیر کبیر ایران در فرانسه و کارول مسپتس؛ وزیرمختار آمریکای شمالی در دربار عثمانی منعقد گردیده است.

بموجب ماده دوم این پیمان دولت آمریکا از حقوق مربوط به کشورهای کامله الوداد برخوردار شده که منظور از این اصطلاح همان مقررات «کاپیتولاسیون» بوده است.



با اینکه این پیمان در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۸۵۷ (۲۸ بهمن ماه ۱۲۳۵ = ۲۳۹۵) به توشیح ناصرالدین شاه رسیده و از نظر ایران لازم الاجرا گردیده بود؛ ولی دولت آمریکا تا نزدیک به ۲۶ سال بعد در مورد برقراری روابط با ایران اقدامی بعمل نیاورده است.

در تاریخ ۵ اوت ۱۸۸۲ (۱۴ مرداد ۱۲۶۱ = ۲۴۲۱) کنگره آمریکا قانون گشایش نخستین سفارت در تهران را به تصویب رسانید و چند ماه پس از آن در ژانویه سال ۱۸۸۳ (دی ماه ۱۲۶۱ = ۲۴۲۱) نخستین سفیر آمریکا در ایران تعیین و به تهران اعزام گردید.

نخستین نماینده دولت آمریکا در تهران بین سالهای ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۵ سامونل ج. دبلیو بنجامین Samuel G. W. Benjamin است که در مقام وزیرمختار (شارژ دافر) تعیین میشود.

نخستین وزیر مختار ایران در آمریکا نیز حسینقلی خان صدرالسلطنه؛ پسرچهارم میرزا آقاخان نوری؛ بوده که در ژوئن سال ۱۸۸۸ (تیر ماه ۱۲۶۷=۲۴۲۷) به این سمت منصوب و بان کشور روانه شده است.



چون این شخص در سال قبل از این انتصاب به حج رفته بود؛ در زمان عزیمت به محل ماموریت خود؛ از طرف ناصرالدین شاه به (حاجی واشنگتن) ملقب گردیده است. ظاهراً ورود وی به واشنگتن با اولین عید قربان بعد از حاجی شدن مصادف بوده؛ که بعنوان اولین اقدام خود در آمریکا؛ با اجرای مراسم قربانی گوسفند در محل سفارتخانه دست زده است.

علی حاتمی فیلمی از زندگی او در دوران پس از شورش ۱۹۷۹ درست کرده است که با برخی راستی های تاریخ همخوانی ندارد و به مسئله قربانی کردن در محل سفارتخانه و قصابی گوسفند اشاره دارد.

از آن تاریخ تا زمانیکه سلطنت به خاندان پهلوی منتقل گردیده است؛ به دو فقره ماجرای جنجال برانگیز در مورد استخدام دو هیئت مستشاری از آمریکا برمیخوریم؛ که اولی به ریاست مورگان شوستر ۱۹۱۱ میلادی (۱۲۹۰ خورشیدی برابر با ۲۴۵۰) و دومی به ریاست آرتور میلیسپود ۱۹۲۲ میلادی (۱۳۰۱ خورشیدی=۲۴۶۱) بوده است.

هرچند که استخدام هیئت دوم پس از برخاستن رضا شاه بزرگ که به کودتای ۱۲۹۹ (۱۹۲۰=۲۴۵۹) شهرت یافته انجام شده؛ و تا نزدیک دو سال پس از به پادشاهی رسیدن رضاشاه ادامه داشته است؛ ولی در طول سلطنت این پادشاه هیچ مستشار آمریکایی برای ایران استخدام نشده است.

در زمان پادشاهی محمدرضاشاه اولین مستشاران آمریکایی که بایران دعوت شدند هیئتی بریاست همان آرتور میلیسپو بود. لایحه استخدام این شخص در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ (۲۱ آبان ۱۳۲۱=۲۴۸۱) در مجلس شورایی به تصویب رسید. ولی پس از دو سال بعثت اختلافاتی که با دولت ایران پدیدار کرده بود؛ مستعفی گردید و استعفایش در تاریخ فوریه ۱۹۴۵ (۱۹ بهمن ۱۳۲۳=۲۴۸۳) از طرف مجلس شورایی مورد پذیرش قرار گرفت. ترتیب استخدام آرتور میلیسپو و هیئت مستشاران زیر نظر او هر دو بار (چه در دوران احمد شاه قاجار و چه در زمان محمدرضاشاه پهلوی) هنگامی داده شده که میرزا احمد قوام؛ قوام السلطنه بعنوان نخست وزیر خدمت میکرده است.

حسن ارسنجانی در یادداشتهای سیاسی خود در این رابطه چنین نوشته است.

«قوام السلطنه عقیده داشت که آمریکا هیچگونه خطر استعماری برای ایران ندارد؛ زیرا میان ایران و آمریکا اقیانوس ها فاصله است. در حالیکه انگلیس و روسیه برای بلعیدن ما دهان باز کرده اند؛ امکان ندارد که دولت ثالثی از جمله آمریکا بتواند ایران را تحت سلطه خود درآورد.»

در دوره دوم زمامداری خود پس از شهریور ۱۳۲۰؛ در سال ۱۳۲۱ از نو بفکر جلب سیاست آمریکا افتاد؛ و موافقت کرد در دوره اشغال نظامی ایران از طرف شوروی و انگلیس؛ ارتش آمریکا به ایران بیاید.

او در دوره چهارم زمامداری خود در سال ۱۳۲۴ همین سیاست را تعقیب کرد و برای تحقق برنامه هفت ساله؛ از کارشناسان آمریکایی دعوت نمود؛ و سعی داشت که با استقراض از بانک بین المللی؛ برنامه هفت ساله خود را بمرحله اجرا و عمل درآورد؛ ولی عمر دولت او کفاف نداد. (زندگی سیاسی قوام السلطنه؛ نوشته جعفر مهدی نیا)

یکبار دیگر قوام السلطنه در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۴۶ (۶ بهمن ۱۳۲۴=۲۴۸۴) به نخست وزیری انتخاب گردید. او در این دوره از صدارت خود؛ که ایادی روسیه آذربایجان را بصورت خودمختار درآورده بودند؛ موجبات تخلیه ایران را از نیروهای بیگانه و بازگرداندن آذربایجان را بایران فراهم ساخت.



در ۲۶ مهر ماه ۱۳۲۶=۲۴۸۴ گفتگوهای قوام السلطنه به نتیجه رسید و دولت با انعقاد پیمان محرمانه نظامی با آمریکا؛ به مستشاران نظامی آنکشور حق انحصاری دخالت در ارتش ایران راداد.

راديو لندن خبر انعقاد قرارداد محرمانه نظامی ایران و آمریکا را منتشرکرد؛ سفارت شوروی دست به اعتراض زد؛ دولت قوام تکذیب کرد؛ اما انگلیسی ها از آرشيو ثبت قراردادهای سازمان ملل؛ قرارداد را به صفحات روزنامه ها گشاندند. چنین بود که شرایط برای سقوط دولت قوام آماده شد.

در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهر ماه =۲۴۸۴۱۳۲۶) بدستور قوام السلطنه نخست وزیروقت؛ بین محمود جم که وزارت جنگ را بعهدہ داشته؛ بنمایندهای ازطرف دولت ایران و ژرژ آلن سفیر کبیر آمریکا به امضاء رسیده است. (این قرارداد در صفحات ۶۴ تا ۷۰ جلد دوم کتاب اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول؛ منتشره توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران؛ تحت عنوان سند شماره ۲۰ درج شده است).

در ماده ۲۴ قرارداد آمده است: «تامدتی که این قرارداد؛ یا تمديد آن معتبر است؛ دولت ایران هیچگونه مامورین خارجی دیگر را برای انجام هیچگونه وظایف مربوط به ارتش ایران استخدام نخواهد نمود. مگر با توافق نظر مشترک مابین دولتین کشورهای آمریکا و ایران.»

بموجب ماده ۱۱ قرارداد؛ اعضای هیئت مستشاران نظامی در صورت تخلف از قوانین و مقررات دولت ایران ممکن است از خدمت در ارتش ایران معاف گردند؛ در این صورت فقط استحقاق دریافت هزینه مراجعت بآمریکا را خواهند داشت.

بموجب سند مندرج در برگ ۹۶۶ جلد ۵؛ اسناد محرمانه وزارت امور خارجه آمریکا مربوط به سال ۱۹۴۷ میلادی؛ در همان روزی که قرارداد اعزام افسران و سربازان جدید آمریکانی بین ژرژ آلن سفیر کبیر آمریکا در ایران؛ و محمود جم وزیر جنگ ایران به امضاء رسیده است؛ این دو نفر قرارداد استخدام مستشاران سابق را نیز در همان تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهر ماه =۲۴۸۴۱۳۲۶) مفاد جدید را تمديد کرده اند.

بطوریکه ملاحظه میشود؛ پیش از آنکه محمدرضا شاه پهلوی در حکم وزنه سنگین؛ در ترازوی سیاست ایران جلوه گر شود؛ در زمان نخست وزیری قوام السلطنه که بیش از هر نخست وزیر دیگری نسبت به شاه بی اعتنائی میکرده است؛ پای مستشاران آمریکانی به ایران باز شده؛ و آنان از هر نوع مصونیت و مزایایی برخوردار شده بودند.

بموجب همان سند مندرج در برگ ۹۶۶ جلد ۵؛ اسناد محرمانه وزارت خارجه آمریکا و نیز بموجب مواد ۲ و ۳ قرارداد مورد بحث؛ قرار بود که این قرارداد تا تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۴۹ میلادی (۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۷) به قوه خود باقی باشد؛ و دولت ایران در صورت تمایل به تمديد آن میبایست پیشنهاد خود را کتبا" پیش از تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۸ میلادی (۳۰ شهریور ۱۳۲۷=۲۴۸۷) به دولت آمریکا تسلیم نماید و دولت آمریکا نیز موظف بود که قبل از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ (۲۹ آذر ۱۳۲۷=۲۴۸۷) اقدام نماید.

اعلام تمایل ایران به تمدید قرارداد پیش از تاریخ (۳۰ شهریور ماه ۱۳۲۷) در زمان نخست وزیری عبدالحسین هژیر و توسط سپهبد امیراحمدی انجام شده است.

عبدالحسین هژیر از نظر دولت انگلستان؛ یکی از بدسابقه ترین افراد بود؛ زیرا که وی در کابینه قوام السلطنه (همان کابینه ای که قرارداد استخدام مستشاران آمریکائی را منعقد ساخت) وزارت دارائی را بعهده داشت. از سوی دیگر عبدالحسین هژیر راجع به استیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب در صدد اجرای تنظیم لایحه ای مشتمل بر ۲۵ مورد از تخلفات اساسی و غیرقابل انکار شرکت نفت ایران و انگلیس از مفاد قرارداد ۱۹۳۳ را؛ از آن شرکت درخواست کرده بود؛ که نمایندگان خود را برای مذاکره درمورد تخلفات در اجرای قانون مصوبه به ایران اعزام دارد.

با این ترتیب چون مسلم بود که وی در این دوره از نخست وزیری؛ با پشتیبانی شاه به اقدامات سابق خود در جهت طرفداری از آمریکا و مخالفت با انگلیس ادامه خواهد داد؛ و از جمله استیفای حقوق تضییع شده ملت ایران از نفت جنوب را تعقیب خواهد کرد؛ همچنین تمایل دولت ایران به تمدید استفاده از مستشاران آمریکائی را اعلام خواهد کرد؛ بنابراین جای هیچگونه تعجب نیست؛ از همان روزی که مجلس شورایی به وی ابراز تمایل نمود؛ انگلوسلامیست ها و سایر انگلوفیلها تمام ایادی خود را در تمام جبهه ها علیه او بسیج کنند.

ساعت ۱۱ صبح روزی که عبدالحسین هژیر در کاخ منتظر فرمان صدارت بود؛ جمع کثیری از طبقات مردم و مخصوصاً دانشجویان دانشکده حقوق و فنی؛ با صفوف منظم در میدان بهارستان جمع شدند و ضمن ملاقات با نمایندگان؛ اعتراض خود را نسبت به تمایل مجلس به نخست وزیری هژیر بیان نمودند. کسبه و اصناف باصلاحدید و راهنمایی آیت الله کاشانی مغازه های خود را تعطیل و در میدان بهارستان اجتماع کردند؛ و ضمن ایراد سخن نمایندگان مجلس را به باد ناسزا گرفتند... بدستور دولت و رئیس مجلس؛ پلیس برای متفرق ساختن مردم وارد معرکه شد. تیراندازی آغاز گردید و مردم تظاهرکننده نیز با چوب و چماق به پلیس حمله کردند.

روز چهارم نخست وزیری هژیر؛ چند هزار بازاری و آخوند، در حالیکه قرآن بر سر داشتند؛ به رهبری سید مجتبی نواب صفوی؛ رئیس فدائیان اسلام؛ در میدان بهارستان علیه هژیر به تظاهرات پرداختند و اعلامیه شدیدالحن آیت الله کاشانی علیه نمایندگان مجلس بین مردم تهران پخش شد.



هنگامیکه هژیر وزیران خود را به مجلس شورایی معرفی میکرد؛ در لژ تماشاچیان مجلس تظاهرات شدیدی علیه او بر پا بود و صدای مرگ بر هژیر مزدور و بی دین در فضای تالار علنی مجلس طنین انداز گردید.

در همین جلسه حسین مکی؛ ابوالحسن حانری زاده؛ عبدالقدیر آزاد و رحیمیان درباره زد و خوردهای چند روز گذشته علیه او اعلام جرم کردند. (نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار- دکتر باقرعاقلی؛ برگ ۲۴۸/۵۰).

عبدالحسین هژیر در مقابل جوی که مخالفین برای او درست کرده بودند؛ با وجود اکثریت آرا؛ پس از پنج ماه در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۸ (۵ آبان ماه ۱۳۲۷=۲۴۸۷) از کارکناره گیری کرد.

موعد بعدی برای درخواست تمدید قرارداد مورد بحث پیش از شهریور ۱۳۳۱ و زمان مقرر برای امضای تمدید آن ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۳۱ (۲۰ ماه مارس ۱۹۵۳=۲۴۹۲) بود که این هر دو اقدام را نخست وزیر وقت؛ یعنی محمد مصدق بدون سروصدا بانجام رسانده است.

شرح کوتاهی در ارتباط با مطلب مورد بحث

همانطوریکه دیدیم؛ دولت آمریکا پس از آنکه به تبعیت دولتهای روس و انگلیس در اشغال ایران شرکت نمود (در اواخر جنگ جهانی دوم)؛ چند فقره؛ قرارداد دوجانبه و محرمانه با دولت ایران منعقد ساخت. بموجب این قراردادها که آخرین آن در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۴۷ (۱۳ مهر ماه ۱۳۲۶=۲۴۸۶) در کابینه قوام السلطنه توسط وزیر جنگ این کابینه و سفیر کبیر آمریکا بامضارسید؛ به مستشاران و کارکنان هینت های نظامی آمریکا در ایران انواع مصونیتها و امتیازات داده شد.

دولتهائیکه عاقد قراردادهای محرمانه در مورد همکاری نظامی با آمریکا بوده اند استتار آنها را به صلاح دولت و ملت دانسته و به استناد قسمت آخر اصل ۲۴ قانون اساسی مشروطیت (ذیلاً برای اطلاع این قانون درج میگردد) از انتشار آنها و درخواست طرح و تصویبشان در مجلس شورایی خودداری کرده بودند:

اصل ۲۴- قانون اساسی مشروطیت- بستن عهدنامه ها و مقاله نامه ها؛ اعطای امتیازات (انحصار تجاری و صنعتی و فلاحتی و غیره؛ اعم از اینکه طرف داخله باشد و یا خارجه؛ باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد؛ به استثنای عهدنامه هائیکه استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد.

ولی چون استتار قراردادها بموجب اصل ۲۴ مزبور و به بهانه صلاح دولت و ملت نمیتوانسته است ابدی باشد؛ لذا اصل ۵۲ متمم قانون اساسی مشروطیت بشرح زیر تکلیف این قبیل قراردادها را روشن کرده است.

اصل ۵۲- متمم قانون اساسی مشروطیت - عهدنامه هائیکه مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی مورخ چهاردهم ذیقعدہ یکهزار و سیصد و بیست و چهار (۱۲۸۵=۱۹۰۶=۲۴۴۵) استتار آنها لازم باشد؛ پس از رفع محظورهائیکه منافع و امنیت مملکتی اقتضاء نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه مجلس شورایی و سنا اظهار شود.

همچنانکه قبلاً نیز اشاره شد؛ محمد رضاشاه پهلوی در آغاز پادشاهی خود تا چندین سال نفوذی در کابینه های وقت و در تعیین سیاست و اداره امور کشور نداشت؛ و در اعطای مصونیت قضائی نامحدود به مستشاران آمریکائی؛ دارای دخالتی موثر و تعیین کننده نبوده است.

با تنظیم و تصویب کنوانسیون مربوط به روابط سیاسی بین دولتها؛ توسط سازمان ملل متحد در وین؛ که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ (۲۹ فروردین ۱۳۴۰=۲۵۰۰) به امضای نماینده ایران نیز رسیده بود؛ بهانه خوبی بدست شاه و دولت ایران افتاد که در جهت تعدیل مصونیتهای اعطائی به مستشاران نظامی با مقامات سفارت آمریکا بگفتگو بپردازند.

شرح کوتاهی راجع به کنفرانس وین و ماده واحده

کنفرانس وین برای روشن ساختن وضع خدمت ماموران دولتی در کشورهای دیگر تنظیم شده است و امتیازاتی که هر دولت بموجب آن بماموران اعزامی از سوی سایرکشورها میدهد؛ متقابل میباشد. یعنی همان مزایا را عیناً در مورد ماموران اعزامی خود از سایرکشورها دریافت میدارد.

بطور مثال هم اکنون دولت جمهوری اسلامی ایران با حدود ۸۰ کشور جهان روابط سیاسی دارد. باین معنی که در حال حاضر جمهوری اسلامی در این ۸۰ کشور دارای نمایندگی و سفارتخانه است و هزاران ایرانی بعنوان دیپلمات و مامور سیاسی (با گذرنامه سیاسی یا خدمت) و یا بعنوان کارمند اداری و فنی (با گذرنامه خدمت) در سایر کشورها به خدمت اشتغال دارند و از مصونیتها و مزایای مندرج در کنوانسیون وین استفاده مینمایند؛ و متقابلاً به همان تعداد سفارتخانه از کشورهای بیگانه در تهران وجود دارد و هزاران خارجی با استفاده از همان مزایا و مصونیتها مشغول خدمت میباشند.

حال اگر بتوان مزایا و مصونیتهای اعطائی به «کارمندان اداری و فنی» را «کاپیتولاسیون» نام نهاد؛ در اینصورت باید گفت که مزایا و مصونیتهای اعطائی به دیپلماتها و ماموران سیاسی ایران در ۸۰ کشور جهان؛ تمام این کشورها را بصورت مستعمره ایران درآورده است!! زیرا که مصونیتها و

مزایای دیپلماتها و ماموران سیاسی ایران در سایر کشورها بمراتب بیش از «کارمندان اداری و فنی» است.

معمولاً هریک از این سفارتخانه‌ها (جز در موارد استثنائی) توسط یک تن با عنوان «سفیر» اداره میشود که نماینده رسمی دولت متبوع خود تلقی میگردد. کارکنان هر سفارتخانه که تابعیت دولت خود را دارند و تعدادشان گاهی به دهها و حتی به صدها تن میرسد؛ مشمول مقررات مندرج در کنوانسیون وین میباشند.

این کنوانسیون را نماینده ایران در اتریش در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق با (۲۹ فروردین ماه ۱۳۴۰=۲۵۰۰) امضا کرده؛ و در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ مطابق با (۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳=۲۵۰۳) در مجلس شورای ملی مورد تصویب نهائی قرار گرفته و به دولت ابلاغ شده است.

بموجب این قرارداد و یا کنوانسیون مزبور؛ بطور کلی اعزام افرادی از سوی دولت متبوعشان بمدتی کوتاه و یا طولانی برای خدمت در کشور دیگر برای حفظ منافع و توسعه روابط کشورشان در زمینه های سیاسی؛ اقتصادی؛ فرهنگی؛ نظامی و از این قبیل؛ با کشور محل خدمت؛ «ماموریت» نامیده میشود.

در آن کنوانسیون؛ از «سفیر» بعنوان «رئیس ماموریت» نام برده شده و سایر «کارکنان ماموریت» بطور کلی به سه گروه تقسیم شده اند که عبارتند از:

۱- کارمندان سیاسی ۲- کارمندان اداری و فنی ۳- خدمه ماموریت گروه اول؛ رئیس ماموریت یعنی سفیر در زمره آنان است؛ دیپلمات شناخته میشوند و دارای گذرنامه سیاسی هستند که از مصونیت‌های سیاسی و امتیازات و مزایای قابل توجهی برخوردار میباشند. ولی اعضای گروه دوم (کارمندان اداری و فنی) است که مستشاران نظامی آمریکا در زمره آنان محسوب شده بودند.

اعضای گروه سوم (خدمه ماموریت) که غیرسیاسی بشمار میروند و گذرنامه خدمت در اختیار دارند؛ دارای امتیازات و مزایای کمتری هستند؛ که معمولاً به صورت متقابل تعیین میگردد.

بطور مثال؛ در همان قانون ماده واحده جنرال برانگیز مورد بحث که (ذیلاً درج شده است) خواهیم دید؛ مستشاران نظامی آمریکا از مصونیتها و معافیت‌های مربوط به «کارمندان اداری و فنی» برخوردار شده اند و در همان زمان نیز یک ماشین نویس که از طرف دولت ایران در سفارت ایران در واشنگتن به خدمت اشتغال داشته است؛ خود به خود جزو «کارمندان اداری و فنی» محسوب میشود و عیناً بطور متقابل از همان مصونیتها و معافیتها برخوردار بوده است. هریک از این دو تن یعنی (مستشار نظامی آمریکا در ایران و ماشین نویس ایرانی در سفارت ایران در آمریکا) در صورت ارتکاب جنایت در کشور محل ماموریت خود؛ در همان کشور قابل بازداشت و محاکمه و مجازات بوده اند.

با این ترتیب هیچگونه امتیاز کاپیتولاسیونی نه از طرف دولت ایران به آمریکا؛ و نه از طرف دولت آمریکا به ایران داده نشده بود.

متن قانون اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا از مصونیتها و معافیت‌های

مندرج در کنوانسیون وین

ماده واحده زیر که ابتدا در تاریخ ۲۶ جولای ۱۹۶۴ (۳ مرداد ماه ۱۳۴۳=۲۵۰۳) در مجلس سنا و سپس در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳=۲۵۰۳) در مجلس شورای ملی تصویب گردیده و متعاقباً پس از توشیح پادشاه جهت اجرا به دولت ابلاغ شده بود؛ همان قانونی است که توسط مخالفان؛ به نام «کاپیتولاسیون» موسوم گردید و از آن ناجوانمردانه برای حمله به محمد رضا شاه پهلوی و مخالفت با وی مورد استفاده قرار گرفت:

ماده واحده- به دولت اجازه داده میشود که رئیس و اعضای هیئت های مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران؛ که بموجب موافقتنامه های مربوط در استخدام دولت شاهنشاهی میباشند؛ از مصونیتها و معافیت‌هایی که شامل «کارمندان اداری و فنی» موضوع بند (و) ماده اول قرارداد وین که در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق با (۲۹ فروردین ماه ۱۳۴۰=۲۵۰۰) به امضاء رسیده؛ برخوردار نماید.

شرح ماده واحده مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳)

بطوریکه گفته شد در متن ماده واحده نیز به روشنی ملاحظه میشود؛ رئیس و اعضای هیئت های مستشاری نظامی آمریکا؛ فقط از مصونیتها و معافیتهای «کارمندان اداری وفنی» موضوع بند (و) ماده اول قرارداد وین برخوردار شده اند.

متن ماده اول و بند (و) قرارداد وین؛ که اصطلاحات مندرج در آنرا تعریف کرده است؛ بشرح زیر میباشد:

ماده اول- در این قرارداد معانی اصطلاحات زیر به شرحی خواهد بود که در پانین تصریح شده است:

الف- اصطلاح (رئیس ماموریت) یعنی شخصی که از طرف کشور فرستنده مامورانجام وظیفه در این سمت میشود.

ب - اصطلاح (اعضاء ماموریت) یعنی رئیس ماموریت و کارمندان ماموریت.

ج - اصطلاح (کارمندان ماموریت) یعنی (کارمندان سیاسی)، (کارمندان اداری وفنی) و (خدمه ماموریت).

د - اصطلاح (مامور سیاسی) یعنی آن دسته از کارمندان ماموریت که دارای سمت سیاسی (دیپلمات) میباشند.

هـ اصطلاح (کارمندان سیاسی) یعنی رئیس ماموریت یا یکی از کارمندان سیاسی ماموریت.

و- اصطلاح (ماموران اداری وفنی) یعنی آن دسته از (کارمندان ماموریت) که به امور اداری وفنی ماموریت؛ اشتغال دارند.

ز- اصطلاح (خدمه) یعنی آن دسته از کارکنان ماموریت که به امور خانگی ماموریت اشتغال دارند.

ح - اصطلاح (خدمتکار شخصی) یعنی کسانی که خادم یکی از اعضای ماموریت بوده؛ و مستخدم کشور فرستنده نمیباشند.

ط - اصطلاح (اماکن ماموریت) یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هر که باشد؛ برای انجام مقاصد ماموریت از جمله برای محل اقامت (رئیس ماموریت) مورد استفاده قرار میگیرد.

میزان مزایا و مصونیتهای مربوط به کارمندان اداری وفنی

حال که از متن بند (و) ماده اول قرارداد وین و مشخصات «کارمندان اداری وفنی» که مستشاران نظامی آمریکا در ردیف آنان قرار گرفته اند؛ آگاهی یافتیم؛ باید ببینیم که این کارمندان بموجب قرارداد مزبور دارای چه معافیتها و مصونیتهایی میباشند.

تعیین میزان این معافیتها و مصونیتهای مربوط به «کارمندان اداری وفنی» در کنوانسیون وین به این نحو صورت گرفته است که در بند ۲ از ماده سی و هفتم تقریباً "تمام مزایا و مصونیتهای متعلق به «ماموران سیاسی» برای آنان نیز پیش بینی شده است.

به شرح زیر ملاحظه شود:

بند ۲ از ماده ۳۷- پیشنهاد برقراری مزایا برای کارمندان اداری وفنی.

ماده سی و هفتم - کارمندان اداری وفنی ماموریت؛ و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده؛ و یا مقیم دائم آن کشور نباشند از مزایا و مصونیت های مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره مند خواهند بود. ولی مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی اداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظایف آنها نخواهد شد.

اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در بند الف ماده ۳۶ در موارد اشیائی که برای منزل خود وارد میکنند؛ استفاده خواهند نمود.

و اما چون اعطای تمام امتیازات و مصونیت‌های سیاسی به «کارمندان اداری وفنی» امری غیرمنطقی به نظر می‌رسیده است؛ لذا درحال حاضر اکثر کشورها بموجب بند یک از ماده ۳۲ کنوانسیون؛ که بشرح زیر به دولتهای فرستنده مامور؛ اختیار انصراف از آن مزایا و مصونیتها را داده است؛ بطورمتقابل انصراف خود را از حق مصونیت قضائی در امور جزائی درمورد «کارمندان اداری وفنی» اعلام داشته اند. و سفارت آمریکا نیز بنمایندگی ازطرف دولت آنکشور؛ همین انصراف را تصریحا" درمورد مستشاران نظامی امریکائی اعلام کرده بود.

ماده سی و دوم - دولت فرستنده میتواند انصراف خود را از مصونیت قضائی نمایندگان سیاسی و اشخاصیکه بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت برخوردار میشوند؛ اعلام نماید.

متن اعلام انصراف سفارت آمریکا از مصونیت قضائی درمورد جنایات ارتكابی توسط مستشاران نظامی آمریکا

متعاقب تصویب ماده واحده قانون اعطای مصونیتها و مزایای مربوط به «کارمندان اداری وفنی» مندرج در بند (و) ماده اول کنوانسیون وین به مستشاران نظامی آمریکا؛ وزارت امورخارجه ایران در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ (۱۸ آذر ماه ۱۳۴۳=۲۵۰۳) طی دو فقره یادداشت به شماره های ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ مراتب را بااطلاع سفارت آمریکا در تهران رسانده است.

سفارت آمریکا در پاسخ این دو یادداشت؛ طی نامه ایکه عینا" بشرح زیردرج میگردد؛ صریحا" و رسما" اعلام داشته است که:

مقامات دولت آمریکا ازهرنوع درخواست مقامات دولت ایران برای چشم پوشی و صرف نظر از مصونیت سیاسی در موارد دارای اهمیت ویژه باعلاقمندی کامل استقبال خواهد نمود.

متن نامه سفارت آمریکا: شماره ۲۸۲ تهران ۹ دسامبر ۱۹۶۴

سفارت آمریکا در تهران؛ تشکرات و ارادت صمیمانه خود را تقدیم وزارت امورخارجه پادشاهی ایران مینماید و احتراماً دریافت یادداشتهای شماره ۹۷۶۰ و شماره ۹۷۶۲؛ هر دو مورخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ آن وزارتخانه؛ و در پاسخ به یادداشت شماره ۲۹۹ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۳ این سفارتخانه را بااطلاع میرساند و تائید مینماید که یادداشتهای مذکور در فوق آن وزارتخانه در عین حال از سوی ما؛ در حکم پاسخی مطلوب و پذیرفتنی به یادداشت شماره ۴۲۳ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۶۲ میلادی این سفارتخانه محسوب میشود.

در خصوص این تبادل یادداشتها و هماهنگی با او براساس شرایط مندرج در ماده ۳۲ «پیمان نامه وین»؛ این سفارتخانه خوشوقت است بااطلاع برساند که مقامات دولت آمریکا از هر نوع درخواست مقامات دولت ایران برای چشم پوشی و صرفنظر از مصونیت سیاسی در موارد دارای اهمیت ویژه از نظرمقامات دولت پادشاهی ایران؛ باعلاقمندی کامل استقبال خواهد نمود؛ و تائید میشود که موارد دارای اهمیت ویژه در این خصوص؛ موارد مربوط به جنایات مشخص و واقعا" سزاوار سرزنش خواهند بود و لاغیر.

سفارت آمریکا در تهران از فرصت استفاده نموده؛ یکبار دیگر عالیترین مراتب احترامات و ارادتهای خود را تقدیم آنوزارتخانه مینماید.

سفارت آمریکا در تهران

(اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی جلد دوم برگ ۳۰۸)

مخالفان شاه فقید ایران و مفسران ناجوانمردانه فقط بند (۲) از ماده (۳۷) در مورد اعطای تمام مزایا و مصونیت‌های پیشینهای درمورد «کارمندان اداری وفنی» را بعنوان مزایای قطعی آنان ذکر کرده اند؛ اما ازاینکه دولتهای آمریکا و ایران بااستناد؛ اختیار حاصله از (بند ۱) از ماده (۳۲)؛

عملا" و بطور متقابل از اعطای این مزایا به «کارمندان اداری وفنی» یکدیگر خود داری کرده اند؛ اصلا" هیچ سخنی بمیان نیاورده اند.

این مغرضان و دشمنان ایران و ایرانی؛ حتی یادداشت رسمی سفارت آمریکا را که در مورد همان مستشاران آمریکائی؛ صادر شده که طی آن از مصونیت‌های قضائی درمورد اقدامات جنائی آنان صرفنظر شده است؛ ندیده گرفته اند.

همانطوریکه در ابتدا گفته شد در روز ۴ آبان ماه ۱۳۴۳=۲۵۰۳؛ روز زاده شدن پادشاه در خاک خفته ایران که (تصادفا" در آن سال با ۲۰ جمادی الثانی) یعنی زادروز به اصطلاح؛ حضرت فاطمه و روززاده شدن خودش مورد ادعای بعدی روح الله خمینی بوده است؛ سخنرانی بسیار شدیدی در قم؛ در مخالفت با ماده واحده مصوب ۱۳ اکتبر ۱۹۶۴ (۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳=۲۵۰۳)؛ راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران ایراد کرد؛ و با این بهانه که شاه و دولت؛ باتصویب قانون مزبور خیانتی عظیم مرتکب شده و مقررات «کاپیتولاسیون» را در ایران احیاء کرده اند؛ به تحریک مردم پرداخت.

سخنرانی طولانی روح الله خمینی با این جملات شروع شده بود:

انا لله وانا اليه راجعون- من تاثرات خودم را نمیتوانم انکار کنم. قلب من در فشار است. این چند روز که مسائل ایران را شنیدم؛ خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است. با تاثرات قلبی روزشماری میکنم که چه وقت مرگ من پیش میاید. ایران دیگر عید ندارد عید ایران را عزا کردند. عزا کردند و چراغانی کردند.

عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند. پایکوبی کردند...

علاوه بر این سخنرانی طولانی که در نوار کاست ضبط؛ و به تعداد زیاد از طریق (مومنین و مومنان!) در سرتاسر ایران پخش گردید؛ و اعلامیه مفصلی نیز با امضای روح الله خمینی بهمان طریق در همه جا انتشار یافت که با این جملات آغاز شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

لن يجعل الله للكافرين على المومنين سبيلا" آيا ملت ايران ميداند در اين روزها در مجلس چه گذشت؟

ميداند بدون اطلاع ملت و بطور قاچاق چه جنائتي واقع شد؟

مجلس به پيشنهاد دولت سندیبردگی ملت ايران را امضاء کرد؟

اقرار به مستعمره بودن ايران نمود. سند وحشی بودن ملت مسلمان را به آمریکاداد. قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما.

روح الله خمینی ۹ روز پس از این سخنرانی؛ در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۶۴ (۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳=۲۵۰۳) بازداشت؛ و متعاقبا" به ترکیه تبعید گردید.

از این تاریخ به بعد تمام افرادی که با پادشاه فقید ایران مخالف بودند؛ دانسته؛ و ناجوانمردانه و کثیری ندانسته قانون مربوط به آنرا؛ به غلط «کاپیتولاسیون» نام نهاده و همواره از آن بعنوان یکی از خیانت‌های بزرگ شاه فقید یاد کرده اند.

بخشی از: کتاب گفته نشده هادریاره خمینی؛ نگارش مهدی شمشیری

تهیه و تنظیم:

حمید منصوری با همکاری ح-ک